

بررسی اثرات نامتقارن نوسانات نرخ ارز بر قیمت کالاهای صادراتی

مهدی پدرام^۱

شمس الله شیرین بخش^۲

بهاره رضایی ایبانه^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۹/۰۶

چکیده

فرض استاندارد ادبیات تجربی آن است که رابطه انتقالی نرخ ارز (PT)، خطی و متقارن است. به این معنی که تغییرات زیاد و اندک نرخ ارز و افزایش و کاهش ارزش پول، اثر یکسانی دارند. در این مقاله فروض مذکور با استفاده از داده‌های ماهانه سری زمانی اقتصاد ایران طی دوره فروردین ۱۳۷۶ تا آذر ۱۳۸۹ برای قیمت‌های صادراتی آزمون می‌شود. در این راستا تکانه‌های مثبت و منفی نرخ ارز با معیار مورک^۴ و تغییرات زیاد و اندک نرخ ارز با تعیین یک حد آستانه از یکدیگر تفکیک شده است. نتایج حاکی از آن است که واکنش قیمت‌های صادراتی به افزایش و کاهش ارزش پول نامتقارن است. به‌طوری‌که عکس‌العمل قیمت‌های صادراتی نسبت به شوک‌های منفی نرخ ارز (کاهش ارزش پول) بیشتر از شوک‌های مثبت (افزایش ارزش پول) است.

حد آستانه‌ای تغییرات نرخ ارز در اقتصاد ایران ۱/۳٪ برآورد می‌شود، به‌طوری‌که واکنش قیمت‌های صادراتی در اطراف این حد نیز نامتقارن به‌دست آمده است. به‌علاوه، زمانیکه اثر اندازه و جهت با هم ترکیب می‌شود، عدم تقارن واکنش قیمت‌های صادراتی به افزایش و کاهش زیاد و اندک ارزش پول نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد؛ به‌منظور افزایش کارایی سیاست‌های ارزی کشور، عدم تقارن و رابطه غیرخطی بین قیمت‌های صادراتی و نوسانات نرخ ارز نیز مدنظر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نوسانات نرخ ارز، آثار نامتقارن، حد آستانه، قیمت‌های صادراتی.

JEL: C22, C51, F14, F31.

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهراء، Email: MehdiPedram@alzahra.ac.ir

۲. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهراء، Email: sh_shirinbakhsh@alzahra.ac.ir

۳. کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه الزهراء، Email: abyaneh566@gmail.com

۱. مقدمه

بررسی عوامل تعیین‌کننده قیمت‌های تجاری حداقل به سه دلیل حائز اهمیت است. نخست آنکه به دلیل تأثیر تغییر قیمت‌های وارداتی بر روی تورم داخلی، اندازه درجه انتقال نرخ ارز یک پارامتر مهم برای سیاست پولی است و لذا یک عامل کلیدی برای بانک‌های مرکزی محسوب می‌شود. دوم، کشش قیمت‌های صادراتی به تغییرات نرخ ارز یکی از عناصر اصلی در اندازه‌گیری رقابت قیمت‌ها است، که به نوبه خود روی خالص صادرات و فعالیت‌های واقعی مؤثر است و در نهایت، واکنش قیمت‌های تجاری به تغییرات نرخ ارز، واکنش مقادیر تجاری را نیز معین خواهد کرد. در این ارتباط می‌توان به میزان رابطه انتقالی نرخ ارز PT^۱ نرخ ارز بر قیمت‌های تجاری اشاره کرد که می‌تواند یک گام ضروری در فهم و گره‌گشایی از علت عدم توازن‌های تجاری به‌ویژه در مورد چگونگی واکنش تراز تجاری به تغییرات نرخ ارز باشد.

با وجود اینکه مطالعات زیاد تنوری و تجربی در جهان روی مسئله انتقال نرخ ارز صورت گرفته است، احتمال نامتقارن بودن این انتقال از اواسط دهه ۱۹۸۰ از لحاظ نظری مورد توجه تعداد اندکی از اقتصاددانان قرار گرفت (برای مثال فوستر و بالدوین^۲، ۱۹۸۶). با این وجود، تجزیه و تحلیل تجربی واکنش نامتقارن قیمت‌ها در مقابل نوسانات نرخ ارز در اواخر دهه ۱۹۹۰ علاقه اقتصاددانان را به خود جلب کرد. در این زمان مباحث تنوریک جدید و به دنبال آن بررسی‌های تجربی انجام یافته نشان داد که اثرات کاهش نرخ ارز بر متغیرهای کلان اقتصادی از جمله قیمت‌های تجاری، متفاوت از اثرات افزایش نرخ ارز است. علاوه بر این، عدم تقارن مذکور در مورد تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز نیز مشاهده گردید. مان^۳ (۱۹۸۶) برای قیمت‌های وارداتی محصولات نساجی آمریکا، گلدبرگ^۴ (۱۹۹۵) در مورد قیمت واردات خودرو و کادیالی^۵ (۱۹۹۷) در ارتباط با قیمت‌های وارداتی فیلم عکاسی دریافتند که افزایش قیمت‌ها هنگام کاهش ارزش دلار بیشتر از کاهش قیمت‌ها در مواجهه با افزایش ارزش دلار است. این یافته‌ها در تضاد با شواهد PT^۶ متقارنی است که لارنس^۶ (۱۹۹۰) در مورد افزایش و کاهش ارزش پول در دهه ۱۹۸۰ ارائه کرد.

۱. Pass-Through: به درجه‌ای اشاره می‌کند که تغییرات نرخ ارز بر قیمت‌های جاری کالاهای قابل تجارت کشور مقصد منعکس می‌شود.
(Menon, 1995)

2. Foster & Baldwin
3. Mann
4. Goldberg
5. Kadiyali
6. Lawrence

از طرف دیگر در حالیکه اونو^۱ (۱۹۸۹) و خوسلا^۲ (۱۹۹۱) دریافتند که قیمت‌های صادرات ژاپن هنگام کاهش ارزش ین بیشتر از افزایش ارزش ین از خود واکنش نشان می‌دهند، مارستون^۳ (۱۹۹۰) به این نتیجه رسید که کشش قیمت‌گذاری برای بازار در دوره‌هایی که ین افزایش ارزش یافته است، بالاتر است. بدین ترتیب بحث نامتقارن بودن واکنش قیمت‌های تجاری به تغییرات نرخ ارز در بین کشورها، چه در سطح کلی و چه در سطح صنعت گسترش یافت.

در نظر گرفتن مسأله عدم تقارن و غیرخطی بودن، منجر به درک دقیق‌تر از PT نرخ ارز و ارتباطش با رقابت‌پذیری می‌شود. به عنوان مثال در وضعیتی که نتایج خطی نشان می‌دهد که قیمت‌های صادرات به تغییرات نرخ ارز به شدت واکنش نشان می‌دهد، به طور متوسط تفسیر ضرایب با جهت تغییرات، تغییر می‌کند و دلالت بر این دارد که رقابت‌پذیری در طول افزایش ارزش پول نسبت به کاهش ارزش پول قوی‌تر است. از این رو ضروری است که سیاست‌گذاران در طراحی سیاست‌های کلان اقتصادی به دو مقوله نامتقارن و غیرخطی بودن واکنش قیمت‌های صادراتی به نوسانات نرخ ارز توجه لازم را داشته باشند.

بنابراین تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا در ایران انتقال نرخ ارز به قیمت‌های صادراتی متقارن است؟ به عبارت دیگر آیا دو درصد افزایش ارزش پول تاثیری معادل دو برابر یک درصد افزایش ارزش پول دارد و آیا اندازه اثر کاهش و افزایش ارزش پول مشابه است؟ آیا واکنش قیمت‌های صادراتی به تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز یکسان است؟ به بیان دیگر آیا می‌توان هنگام سیاست‌گذاری‌های اقتصادی با این موارد یکسان برخورد کرد و یا مستلزم سیاست‌گذاری‌های متفاوت می‌باشد؟

ساختار مقاله در ادامه به صورت زیر خواهد بود. در بخش دوم به تبیین مبانی نظری تحقیق و یا به عبارتی، آثار نامتقارن نوسانات نرخ ارز بر قیمت‌های تجاری می‌پردازیم. بخش سوم به مرور مطالعات صورت گرفته در این حوزه اختصاص داده شده است. داده‌های تحقیق در بخش چهارم معرفی شده است. در بخش پنجم مدل، مراحل تخمین و نحوه استخراج نتایج ارائه شده و بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری و پیشنهادات اختصاص دارد.

-
1. Ohno
 2. Khosla
 3. Marston

۲. مبانی نظری

چندین عامل می تواند باعث ایجاد رابطه نامتقارن یا غیرخطی شود. به ویژه یک الگوی نامتقارن زمانی قابل توجه است که قیمت ها روبه پایین و یا مقادیر روبه بالا چسبنده باشند. طبق مقاله پلتزمن^۱ (۲۰۰۰) به نظر می رسد که سرعت افزایش قیمت ها بیشتر از کاهش آنها است؛ که به طور مشابه می تواند برای قیمت های تجاری هم صادق باشد.

هنگام کاهش ارزش پول، با فرض ثابت بودن سایر عوامل صادرکنندگان رقابت قیمت ها را به دست می آورند. در نتیجه اگر آنها قیمت های خود را به پول جاری داخل، ثابت نگه دارند، می توانند مقدار کالای صادراتی خود را افزایش دهند. اما اگر واحدهای تولیدی به ظرفیت کامل رسیده باشند و یا اگر هزینه های تعدیل قیمت بالا باشد، ممکن است تعدیل رو به بالای تولید برای آنها سخت باشد، بنابراین صادرکنندگان تصمیم خواهند گرفت که به جای آن، قیمت های خود را افزایش دهند و برعکس در مواجهه با افزایش ارزش پول، اگر صادرکنندگان قیمت های خود را به پول داخلی بدون تغییر نگه دارند، رقابت و سهم بازارشان را از دست می دهند. با توجه به این موارد می توان توضیح داد که چرا صادرکنندگان عموماً به قیمت گذاری برای بازار روی می آورند تا بتوانند قسمتی از رقابت از دست رفته ناشی از افزایش ارزش پول را جبران کنند. با این وجود اگر افزایش ارزش پول بسیار بزرگ باشد، ممکن است کاهش قیمت برای صادرکنندگان به شدت سخت باشد، چرا که این اقدام آنها منجر به حاشیه سود کاهنده خواهد شد. به عبارت دیگر کاهش قیمت های صادراتی بیش از یک حد معین، یک مارک آپ^۲ منفی به دنبال خواهد داشت.

چسبندگی رو به پایین قیمت ها نشان می دهد که واکنش قیمت های صادراتی در پی افزایش ارزش پول ملی نسبت به کاهش ارزش پول ملی کمتر است، که به نوبه خود برای کشورهای طرف دیگر معامله دلالت بر این دارد که PT نرخ ارز در طول کاهش ارزش پول، بالاتر از افزایش ارزش پول است.

۱.۲. عدم تقارن انتقال نرخ ارز

اگر چه در اکثر مطالعات فرض می شود که اندازه PT، مستقل از جهت تغییر نرخ ارز است، اما موقعیت هایی وجود دارد که واحدهای تولیدی در انتقال نوسانات نرخ ارز به قیمت های تجاری بسته به افزایش و یا کاهش آن، متفاوت عمل می کنند.

1. Peltzman

۱. Mark up: درصدی که به هزینه تمام شده اضافه می شود تا قیمت فروش به دست آید.

در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به دفعات مشاهده شد که نوسان قیمت کالاها در یک کشور واردکننده مطابق آنچه براساس مدل‌های سنتی مانند قانون قیمت واحد، پیش بینی می‌شد اتفاق نیفتاد. به عبارت دیگر در این زمان تغییرات قیمت کالاها در پی تغییر در نرخ ارز مطابق با نظریه برابری قدرت خرید مطلق^۱ (PPP) نبود؛ بعلاوه نظریه برابری قدرت خرید نسبی نیز نقض و نشان داده شد که شکاف قیمتی بین صادرکنندگان و واردکنندگان هنگام تغییر نرخ ارز، پایدار نیست. بنابراین ابعاد نسبتاً جدیدی از ادبیات تجربی در این حوزه به این صورت مطرح می‌شود که پاسخ متغیرهای قیمت به افزایش و کاهش ارزش پول ممکن است نامتقارن باشد. موقعیت‌های متعددی می‌تواند یک واکنش نامتقارن را در پی داشته باشد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

۱.۱.۲. سهم بازار^۲

سهم بازار توسط کلمپر^۳ (۱۹۸۹) و مارستون (۱۹۹۰) به عنوان توضیحی برای PT نامتقارن بیان شده و مطابق با نظر کروگمن^۴ (۱۹۸۷) می‌باشد که رفتار قیمت‌گذاری برای بازار را در بازارهای ناقص در نظر می‌گرفت. اگر هدف یک واحد تولیدی ثابت نگه داشتن قیمت داخل با وجود نوسانات نرخ ارز باشد، کاهش سودها در طول دوره‌هایی از کاهش نرخ ارز ممکن است با سودهای فزاینده در طول دوره‌هایی از افزایش نرخ ارز جبران شود. در این مورد قیمت‌گذاری برای بازار حکایت از PT متقارن دارد. همانطوری که مارستون (۱۹۹۰) و کنت^۵ (۱۹۹۴) بیان کرده‌اند، این احتمال هم وجود دارد که در مواجهه با افزایش ارزش پول ملی، واحد تولیدی خارجی به منظور افزایش سهم بازار، مارک آپ خود را تعدیل نموده و هنگام کاهش ارزش پول ملی به حفظ سهم بازار بپردازد. در این صورت اثر انتقال نرخ ارز روی قیمت‌های داخل هنگام افزایش ارزش پول ملی بیشتر از کاهش ارزش پول است و در نتیجه PT نامتقارن است.

جهت توضیح بیشتر می‌توان اینگونه استدلال کرد که در بازارهای ناقص، به‌ویژه وقتی که هدف تولیدکننده کسب منافع از سهم بازار است، مارک آپ قیمت، نقش یک کمک فخر را بازی می‌کند. به عبارت بهتر قیمت کالا در کشور مقصد علاوه بر ارزش پول کشور صادرکننده، تحت تأثیر مارک آپ قیمت نیز می‌باشد. هنگامیکه ارزش پول کشور صادرکننده افزایش می‌یابد و کشور مزبور نیز قصد حفظ سهم بازار خود را داشته باشد، مارک آپ قیمت را کاهش می‌دهد تا قیمت مقصد ثابت باقی بماند و

-
1. Purchasing-Power-Parity
 2. Market share
 3. Klemperer.
 4. Krugman.
 5. Knetter.

بالعکس، هنگامیکه ارزش پول کشور صادرکننده کاهش یابد، کشور مزبور مارک‌آپ قیمت را افزایش می‌دهد.

در مواجهه با افزایش ارزش پول کشور صادرکننده، کشور واردکننده افزایش قیمت کالاها به پول جاری خود را تجربه می‌کند، مگر آنکه PT نرخ ارز صفر باشد. بنابراین در چنین شرایطی اگر کشور واردکننده در بازار صادرات دارای قدرت مناسبی باشد، سعی خواهد کرد که افزایش قیمت کالاهای وارداتی را با افزایش قیمت کالاهای صادراتی جبران نماید؛ به عبارت دیگر قیمت صادرات کشور مذکور تا آنجا افزایش (کاهش) می‌یابد که اثر کاهش (افزایش) ارزش پول آن را جبران نماید و قیمت کالا در داخل کشور واردکننده همچنان نسبت به قبل ثابت باقی بماند. اگر قدرت بازاری واردکننده به اندازه‌ای نباشد که به‌طور کامل اثر افزایش ارزش پول واردکننده (یا کاهش ارزش پول صادرکننده) را جبران کند، PT ناقص خواهد بود. حالت دیگری که ممکن است رخ دهد آن است که قدرت بازاری واردکننده بسیار زیاد باشد به‌طوری‌که بتواند صادرکنندگان را به کاهش بیشتر قیمت صادراتی شان (بیشتر از تغییر نرخ ارز) مجبور کند که در این صورت PT منحرف شده و از ۱- کمتر خواهد شد.

۲.۱.۲. انتقال تکنولوژی تولید^۱

این مورد توسط ویر^۲ و وینتر^۳ (۱۹۹۸) پیشنهاد شده است. آنها فرض کردند که یک واحد تولیدی وجود دارد که گیرنده قیمت است و کالاهای تولیدی خود را هم به جهت عرضه در داخل کشور و هم جهت صادرات تولید می‌کند. این واحد تولیدی در فرآیند تولید می‌تواند نهاده‌های خود را، هم از داخل و هم از خارج از کشور تهیه کند. هنگامیکه نرخ ارز تغییر می‌کند، واحد تولیدی مذکور می‌تواند تکنولوژی تولید و مکان تأمین نهاده‌های خود را تغییر دهد. زمانیکه پول ملی کاهش ارزش می‌یابد، صادرکننده به نهاده و تکنولوژی داخلی روی می‌آورد. چراکه در این حالت داده‌های خارجی گران‌تر هستند و به این دلیل که داده‌های تأمین شده از خارج، قبل از کاهش ارزش پول ارزان‌تر بودند، هزینه‌ها تا حدی افزایش خواهد یافت و به تبع آن قیمت داخلی (صادرات) افزایش می‌یابد. اگر این افزایش در قیمت صادرکننده به‌اندازه کاهش ارزش پول صورت گرفته باشد، دو اثر یکدیگر را خنثی کرده و PT واردات صفر خواهد بود. در طول دوره افزایش ارزش پول داخلی، تولیدکننده به داده‌های خارجی روی می‌آورد که هزینه را کاهش داده و در نتیجه قیمت داخلی را کاهش می‌دهد. هیچ تضمینی وجود ندارد که اثرات افزایش و کاهش ارزش پول توصیف شده در بالا متقارن باشند.

1. Production technology switching

2. Ware.

3. Winter.

۳.۱.۲. محدودیت‌های مقداری الزام‌آور^۱

در هر دو مورد بالا، زمانیکه پول جاری واردکننده در حال افزایش ارزش PT، بیشتر است. اما اگر صادرکننده با محدودیت‌های الزام‌آور مقداری، روبرو باشد، PT در صورتی بالاتر است که پول جاری واردکننده در حال کاهش ارزش است. این محدودیت‌ها، زمانی اتفاق می‌افتد که توانایی واحد تولیدی خارج جهت افزایش فروش زمانیکه پول جاری داخل افزایش ارزش یافته، محدود شده است. تحت این سناریو، وقتی نرخ ارز افزایش می‌یابد، واحد تولیدی خارج مارک‌آپ خود را بالا می‌برد تا قیمت را در داخل ثابت نگه دارد. به عبارتی، واحد تولیدی به جای افزایش فروش، حاشیه سود را افزایش می‌دهد. در مقابل، هنگامیکه نرخ ارز کاهش می‌یابد، محدودیت الزام‌آور نیست. واحد تولیدی ممکن است مارک‌آپ را کاهش دهد اما هنوز به قیمت داخل اجازه می‌دهد که بالا رود. بنابراین می‌توان گفت که PT هنگام کاهش ارزش پول داخل بالاتر است. محدودیت‌های مقدار می‌تواند به خاطر محدودیت‌های تجاری (سهمیه بندی و یا قیود اختیاری صادراتی) که واردات را محدود می‌کند افزایش یابد یا مطابق مدل تنگنای بالودین (۱۹۸۸)، این محدودیت‌ها می‌تواند به این علت ایجاد شده باشند که واحد تولیدی توان توسعه ظرفیتش را ندارد.

۴.۱.۲. هزینه‌های فهرست برداری^۲

تا اینجا به عللی اشاره شد که امکان واکنش نامتقارن قیمت‌های تجاری را نسبت به جهت تغییر نرخ ارز بیان می‌کردند. اما باید گفت که واحدهای تولیدی ممکن است با توجه به اندازه تغییر در نرخ ارز نیز از خود واکنش نامتقارن نشان دهند. در این راستا هزینه‌های فهرست برداری می‌تواند انتقال نامتقارن تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز را به قیمت‌های تجاری در پی داشته باشد.

در صورت وجود هزینه‌های فهرست برداری (به عنوان مثال هزینه برچسب‌زدن مجدد کالاها، استخدام مشاوران جهت توسعه استراتژی قیمت گذاری جدید و...)، به احتمال زیاد واحد تولیدی تنها زمانیکه تغییر نرخ ارز از یک حد آستانه بالاتر باشد فاکتور را تعدیل می‌کند.

جهت عدم تقارن، به این نکته بستگی دارد که واردات یا صادرات با توجه به کدام پول (پول واردکننده یا صادرکننده) فاکتور شده‌اند. اگر واردات به پول جاری واردکننده فاکتور شده باشد، PT تغییرات نرخ ارز بزرگ بیشتر از تغییرات نرخ ارز کوچک است. از سوی دیگر اگر واردات به پول جاری صادرکننده فاکتور شده باشد، تغییر کوچک نرخ ارز هیچ اثری بر قیمت فاکتور شده ندارد. بنابراین با فاکتور کردن به پول جاری صادرکننده، وقتی تغییرات نرخ ارز کوچک است، PT بالاتر می‌باشد.

1. Binding Quantity Constraint

2. Menu Cost

۳. پیشینه تحقیق

مطالعه آتوکورالا^۱ (۱۹۹۰) برای قیمت کالاهای منتخب صادراتی کره نشان می‌دهد که واکنش قیمت‌های صادراتی به تغییرات نرخ ارز متقارن است. نتر (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای با کمک داده‌های پنل برای قیمت کالاهای منتخب صادراتی دو کشور آلمان و ژاپن به این نتیجه رسید که هیچکدام از صنایع آلمان، واکنش نامتقارنی از خود نشان ندادند ولی در بین صنایع ژاپن فرضیه واکنش متقارن برای دو صنعت فویل آلومینیومی و اتومبیل در سطح ۵٪ رد شد. پولارد و کوگلین^۲ (۲۰۰۴) به تجزیه و تحلیل اثر انتقالی نرخ ارز برای قیمت‌های واردات ۳۰ صنعت در آمریکا پرداختند. آنها با تعریف متغیرهای مجازی تکانه‌های مثبت و منفی نرخ ارز و با تعیین یک حد آستانه تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز را از یکدیگر تفکیک کردند. نتایج نشان داد که بیش از نیمی از صنایع به صورت نامتقارن به افزایش و کاهش نرخ ارز پاسخ می‌دهند، گرچه جهت عدم تقارن از یک صنعت به صنعت دیگر متفاوت است. بوسیره^۳ (۲۰۰۷) به بررسی این موضوع پرداخت که آیا قیمت‌های صادرات و واردات کشورهای G7 واکنش نامتقارن و غیرخطی در مقابل نوسانات نرخ ارز از خود نشان می‌دهند؟ او دریافت که وجود یک رابطه غیرخطی را نمی‌توان نادیده گرفت، گرچه جهت عدم تقارن و بزرگی غیرخطی بودن‌ها در بین کشورها متفاوت است. آلوارز و همکاران^۴ (۲۰۰۸) پی‌بردند که عکس‌العمل قیمت‌های واردات خیلی در مواجهه با کاهش نرخ ارز بیشتر از افزایش نرخ ارز است. به دلیل آنکه درجه، سرعت و شکل واکنش قیمت‌های وارداتی به تغییرات نرخ ارز از موضوعات مهم و کلیدی در مطالعات اقتصاد کلان دهه‌های اخیر محسوب می‌شود، کمپا به همراه مینگز و باریل^۵ (۲۰۰۸) به بررسی این موضوعات در مورد واردات کشورهای اتحادیه اروپا طی سالهای ۲۰۰۴-۱۹۹۸ پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که در همه صنایع به جز ۴ صنعت واکنش قیمت‌های وارداتی به تغییرات نرخ ارز نامتقارن است. در نهایت با مقایسه الگوهای تعدیل کشورهای عضو اتحادیه اروپا با کشورهای غیرعضو دریافتند که اختلاف ساختاری بین این دو مجموعه از کشورها در نرخ‌های PT وجود ندارد. پرستوپا^۶ و روبل^۷ (۲۰۰۹) به این نتیجه رسیدند که هیچگونه شواهدی از واکنش غیرخطی و نامتقارن قیمت‌های واردات کشور لهستان نسبت به تغییرات نرخ ارز وجود ندارد. کیلیک^۸ (۲۰۱۰) به کمک یک

1. Athukorala
2. Pollard and Coghlin
3. Bussiere
4. Alvarez
5. Campa, Minguez & Barriel
6. Przystupa
7. Wrobel
8. Kilic

رگرسیون با انتقال یکنواخت (STP^1) برای قیمت‌های وارداتی کشورهای آمریکا، انگلیس، آلمان، استرالیا، ژاپن و کانادا به این نتیجه رسید که انتقال نرخ ارز در مواجهه با افزایش ارزش پول‌های به‌اندازه کافی بزرگ و نرخ‌های تورمی بیش از یک حد آستانه، کامل است درحالی‌که برای مقادیر کوچک افزایش و کاهش ارزش پول و نیز نرخ‌های تورمی کمتر از سطح آستانه، ناقص است. از طرف دیگر پویایی‌های نامتقارنی در رابطه‌ی بین قیمت‌های وارداتی و تغییرات نرخ ارز مشاهده شد. به عبارتی درجه PT در دوره افزایش ارزش پول بیش از دوره کاهش ارزش پول به‌دست آمد. نتایج بررسی‌های باین، چاوالی و کنتنیکاس^۲ (۲۰۱۰) در مورد واکنش نامتقارن نوسانات نرخ ارز بر قیمت کالاهای وارداتی ۱۴ اقتصاد در حال ظهور، آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، اکوادور، هند، اندونزی، مالزی، مکزیک، پاکستان، فیلیپین، تایلند و ونزوئلا با یک الگوی $PMGE^3$ (این الگو از مدل ARDL استفاده می‌کند) وجود عدم تقارن را تأیید کرد. سپس آنها معادلات جداگانه‌ای برای کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین برآورد کردند. یافته‌ها بر وجود عدم تقارن در هر دو گروه صحه گذاشتند، با این حال اثر انتقال نامتقارن نرخ ارز در کشورهای آسیایی بیشتر مشاهده گردید.

ترکمانی و طراز کار (۱۳۸۴) در تحقیق خود در زمینه‌ی اثر تغییرات نرخ ارز بر قیمت صادراتی پسته با به‌کارگیری یک الگوی ARDL دریافتند که تغییرات نرخ ارز در کوتاه‌مدت و بلندمدت مهمترین عامل مؤثر بر قیمت صادراتی پسته است. پیری و صبوچی (۱۳۸۶) در تحقیقی مشابه برای قیمت صادرات زعفران به این نتیجه رسیدند که در بلندمدت متغیرهای نرخ واقعی ارز و میزان صادرات تأثیر مثبت و معناداری بر قیمت صادراتی زعفران داشته است. نتایج مطالعه حقیقت و حسین‌پور (۱۳۸۷) نیز مشابه دو تحقیق فوق‌الذکر ولی این بار برای قیمت صادراتی کشمش می‌باشد. علاوه بر آن آنها نشان دادند که رابطه انتقالی نرخ ارز در مورد محصول کشمش صادراتی ایران کامل است و این متغیر از نوسانات اول انقلاب و دوره هشت ساله دفاع مقدس تأثیر پذیرفته است.

بنابراین، با اینکه مطالعات فراوانی در حوزه نامتقارن بودن اثر انتقالی نرخ ارز بر قیمت‌های تجاری در جهان صورت گرفته است، در ایران تاکنون این موضوع نسبتاً ناشناخته مانده است. بنابراین این مقاله سعی دارد تا وجود عدم تقارن‌های ممکن در عکس‌العمل قیمت‌های صادراتی به تغییرات نرخ ارز را در اقتصاد ایران مورد آزمون قرار دهد.

1. Smooth Transition Pass-through

2. Byrne & Chavali & Kontonikas

3. Pooled Mean Group Estimation

۴. مدل تحقیق

در بررسی اثر نوسانات نرخ ارز بر متغیرهای اقتصادی و از جمله قیمت کالاهای صادراتی، مدل‌های خطی اهمیت‌شان را از اواسط دهه ۱۹۸۰ از دست دادند. به‌عنوان مثال در منطقه یورو طی سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۸ مشاهده شد که قیمت صادرات و واردات کالاها در طول دوره کاهش ارزش پول به‌ترتیب ۱۲٪ و ۲۰٪ افزایش یافت و در مقابل در طول دوره افزایش ارزش پول به‌ترتیب ۴٪ و ۵٪ کاهش یافتند. این مثال ساده نشان می‌دهد که افزایش و کاهش ارزش پول اثر یکسانی ندارند. لازم است تا به این نکته اشاره کنیم که به‌طور کلی دو نوع رابطه غیرخطی وجود دارد:

الف. رابطه نامتقارن: واکنش قیمت‌های صادراتی به تغییرات نرخ ارز، هنگام افزایش ارزش پول سریعتر از کاهش ارزش پول اتفاق می‌افتد (و یا برعکس).

ب. رابطه آستانه‌ای: حد آستانه‌ای تعریف خواهد شد به‌طوری‌که، واکنش قیمت‌های صادراتی به تغییرات نرخ ارز قبل و بعد از آستانه با هم متفاوت است.

بدین منظور ما در این بخش به بررسی عدم تقارن اثر انتقالی نرخ ارز بر قیمت صادرات به پیروی از مدل پولارد و کوگلین (۲۰۰۴) می‌پردازیم. روش کار به این صورت است که در یک معادله خطی استاندارد، اجزایی جانشین یک متغیر (نرخ ارز) شده که عدم تقارن‌های ممکن را به حساب می‌آورد. فرم لگاریتمی معادله اصلی به‌صورت زیر قابل تعریف است^۱:

$$Lp_x = \beta_0 + \beta_1 LREER + \beta_2 LPPI + \beta_3 LREER(-1) + \beta_4 LP_{oil} \quad (1)$$

که در آن Lp_x لگاریتم شاخص قیمت کالاهای صادراتی، $LREER$ لگاریتم نرخ ارز مؤثر واقعی، $LPPI$ لگاریتم شاخص قیمت تولیدکننده و LP_{oil} لگاریتم قیمت نفت خام را نشان می‌دهند. باید گفت که با برآورد یک رابطه بلندمدت به‌صورت بالا نمی‌توان در مورد تقارن یا عدم تقارن رابطه نتیجه‌ای گرفت. لذا در ادامه به بیان چگونگی تجزیه شوک‌های مثبت و منفی و همچنین تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز می‌پردازیم.

۱.۴. بررسی آزمون عدم تقارن شوک‌های ارزی

به‌منظور بررسی این که آیا جهت تغییرات نرخ ارز روی درجه PT مؤثر است می‌توان از دو روش استفاده کرد که نتایج یکسانی حاصل می‌گردد.

۱. متغیرهای مورد استفاده با توجه به مقاله بوسپیره (۲۰۰۷) انتخاب شده‌اند.

الف: استفاده از متغیرهای مجازی

به پیروی از پولارد و کوگلین، می توان برای تجزیه شوک های مثبت و منفی نرخ ارز دو متغیر مجازی به صورت زیر تعریف کرد:

$$A = \begin{cases} 1 & \Delta LREER > 0 \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases} \quad D = \begin{cases} 1 & \Delta LREER < 0 \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases}$$

سپس به جای $\beta_1 LREER$ در معادله ۱ عبارت $\beta_{1A}(A_t \Delta LREER) + \beta_{1D}(D_t \Delta LREER)$ را جانشین کرده و بدین ترتیب به صورت مجزا برای افزایش ارزش پول و کاهش ارزش پول، PT را تخمین زد.

ب: استفاده از معیار مورک

مورک (۱۹۹۴)، نرخ های مثبت تغییرات قیمت نفت را به عنوان تکانه های مثبت و نرخ های منفی قیمت نفت را به عنوان تکانه های منفی به صورت زیر تعریف می کند:

در غیر این صورت $0, \Delta \ln oil > 0$ if $\Delta \ln oil > 0$ pops =

در غیر این صورت $0, \Delta \ln oil < 0$ if $\Delta \ln oil < 0$ nops =

که در آن oil، قیمت نفت در کشورهای عضو اپک است. لازم به ذکر است که در مقاله حاضر از این روش استفاده شده است، با این تفاوت که در این مطالعه شوک های مثبت و منفی نرخ ارز از یکدیگر تفکیک شده اند به طوریکه نرخ های مثبت تغییرات نرخ ارز به عنوان تکانه های مثبت و نرخ های منفی نوسانات نرخ ارز به عنوان تکانه های منفی لحاظ می شوند که به صورت زیر قابل تعریف است:

در غیر این صورت $0, \Delta LREER > 0$ if $\Delta LREER > 0$ REER⁺ =

در غیر این صورت $0, \Delta LREER < 0$ if $\Delta LREER < 0$ REER⁻ =

۲.۴. برآورد یک رابطه غیر خطی آستانه ای

پولارد و کوگلین در مرحله بعد دو متغیر مجازی L و S به ترتیب برای تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز ساخته و در مدل به جای $\beta_1 LREER$ ، عبارت $\beta_{1L}(L_t \Delta LREER) + \beta_{1S}(S_t \Delta LREER)$ را جایگزین می کنند.

$$L = \begin{cases} 1 & |\Delta LREER| \geq t \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases} \quad S = \begin{cases} 1 & |\Delta LREER| < t \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases}$$

بدین ترتیب می توان به صورت جداگانه PT را تحت تغییرات کوچک و بزرگ نرخ ارز تخمین زد. سؤالی که در اینجا ممکن است مطرح شود این است که تغییرات بزرگ به چه معناست؟ تغییرات نرخ ارز از چه میزان کمتر، تغییر کوچک محسوب خواهد شد؟ به عبارت بهتر آستانه (t) کجاست؟ در اغلب موارد مقدار آستانه ناشناخته است و می بایست در کنار سایر پارامترهای مدل برآورد شود. خوشبختانه چان^۱ (۱۹۹۳) روشی را برای حصول به برآوردی سازگار از مقدار آستانه ارائه داده است. در این روش بعد از حذف ۱۵٪ بالایی و پایینی متغیر آستانه (تغییرات نرخ ارز)، مدل برای کل مشاهدات میانی تخمین زده می شود. آستانه مقداری خواهد بود که مجموع مجذور مربعات را حداقل و یا R^2 را حداکثر کند (اندرس، ۲۰۰۵).

و در تصریح نهایی، پولارد و کوگلین ۴ متغیر مجازی ایجاد می کنند تا اثر اندازه تغییر در نرخ ارز را با اثر جهت تغییر در نرخ ارز ترکیب کنند. بدین ترتیب داریم:

$$LA = \begin{cases} 1 & L=1, A=1 \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases} \quad LD = \begin{cases} 1 & L=1, D=1 \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases}$$

$$SA = \begin{cases} 1 & S=1, A=1 \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases} \quad SD = \begin{cases} 1 & S=1, D=1 \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases}$$

به طوریکه در آن:

$$A = \begin{cases} 1 & \Delta LREER > 0 \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases} \quad D = \begin{cases} 1 & \Delta LREER < 0 \\ 0 & \text{در غیر این صورت} \end{cases}$$

سپس به جای $\beta_1 LREER$ این بار عبارت زیر را جانشین می کنیم:

$$\beta_{1LA}(LA_t \Delta LREER) + \beta_{1SA}(SA_t \Delta LREER) + \beta_{1LD}(LD_t \Delta LREER) + \beta_{1SD}(SD_t \Delta LREER) \quad (۲)$$

تا تخمین های جداگانه ای برای PT هنگام مواجهه با افزایش ارزش پول کوچک و بزرگ و کاهش ارزش پول کوچک و بزرگ داشته باشیم.

۵. معرفی داده‌ها

در این مقاله از سری زمانی داده‌های نرخ ارز مؤثر واقعی (ارز مورد مطالعه دلار و به ثابت سال ۲۰۰۵ می‌باشد)^۱، شاخص قیمت کالاهای صادراتی (به ثابت سال ۱۳۸۳)^۲، شاخص قیمت تولیدکننده (به ثابت سال ۱۳۸۳)^۳ و قیمت نفت خام به صورت ماهانه جهت تخمین اثرات نامتقارن نوسانات نرخ ارز در ایران استفاده شده است. باتوجه به افزایش صادرات غیرنفتی، ضرورت تهیه شاخص بهای کالاهای صادراتی به عنوان یک شاخص مستقل، از سال ۱۳۷۶ مورد تأیید مسئولان بانک مرکزی قرار گرفت. به همین علت دوره زمانی مورد بررسی این مقاله نیز از ابتدای سال ۱۳۷۶ تا آذر ماه ۱۳۸۹ انتخاب شده است. کلیه متغیرها از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تنها نرخ ارز مؤثر واقعی از پایگاه داده IFS^۴ استخراج و به صورت لگاریتمی محاسبه شده و از طریق روش میانگین متحرک^۵ تعدیل گشته‌اند.

مطابق قاعده آکام (اصل قلت متغیرها در یک رگرسیون) هرچه با تعداد متغیرهای توضیحی کمتری بتوان R^2 بالاتری به دست آورد بهتر است (گجراتی، ۱۳۷۸). باتوجه به قاعده فوق‌الذکر و به دلیل آنکه در این مقاله هدف ما بررسی رابطه انتقالی نامتقارن نوسانات نرخ ارز بر قیمت کالاهای صادراتی است و باوجود اینکه عوامل متعددی بر قیمت کالاهای صادراتی مؤثر هستند، وارد کردن تمامی عوامل مؤثر بر آنها در مدل تجربی ضرورتی ندارد.

۶. مراحل برآورد الگو

۱.۶. بررسی ایستایی

برای این منظور از سه آزمون فیلیپس-پرون، دیکی فولر تعمیم یافته و ERS^۶ استفاده کرده‌ایم. براساس نتایج حاصله کلیه متغیرها در سطح دارای یک ریشه واحدند و با یک بار تفاضل‌گیری ایستایی شوند^۷.

از آنجایی که متغیرهای مدل به صورت سری‌های زمانی ماهانه هستند، بنابراین علاوه بر اینکه درجه همگرایی یک سری زمانی باید قبل از برآورد مدل مشخص شود، وجود یا عدم وجود ویژگی فصلی تصادفی را نیز باید آزمود. اگر نتیجه‌ی آزمون وجود این ویژگی را تأیید کند، برای رفع نایستایی علاوه بر

1. Real Effective Exchange Rate (REER)

2. Export Price Index (Px)

3. Producer Price Index (PPI)

4. International Finance Statistic

۵. روش مذکور در واقع، نوعی روش تعدیل فصلی سری‌های زمانی است که تنها برای سری‌های زمانی با تواتر فصلی و ماهانه کاربرد دارد. این روش برای حذف اثرات فصلی به کار گرفته می‌شود.

6. Elliott-Rothenberg-Stock point optimal

۷. نتایج به منظور صرفه‌جویی نیامده است.

تفاضل‌گیری اول، تفاضل‌گیری فصلی نیز لازم خواهد بود. که در این صورت اگر درجه همگرایی را با d و درجه تفاضل‌گیری فصلی را با D نشان دهیم، متغیر به این ترتیب معرفی می‌گردد:

$$Y_t \sim SI(d, D)$$

در واقع آزمون هگی^۱، آزمونی است برای ریشه‌های واحد در هر فرکانس مجزا بدون حفظ این که ریشه‌های واحد در سایر تناووها حضور دارند. این آزمون برای شناسایی انواع نایستایی که ممکن است مشکل‌های جدی برای استنباط‌های آماری ایجاد کنند، مفید است. نتایج حاصل از آزمون در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۱. آزمون ریشه واحدها (هگی)

Seasonal Frequency (Test of Coefficients in Test Regression)							
$\pi/6$ ($\pi_1=\pi_{12}=0$)	$5\pi/6$ ($\pi_9=\pi_{10}=0$)	$\pi/3$ ($\pi_7=\pi_8=0$)	$3\pi/2$ ($\pi_5=\pi_6=0$)	$\pi/2$ ($\pi_3=\pi_4=0$)	π ($\pi_2=0$)	0 ($\pi_1=0$)	متغیر
۱۱/۳۳	۱۷/۳۵	۱۴/۴۸	۱۸/۷۴	۱۶/۱۱	-۳/۵۶	۰/۴۲	LP _X
۱۲/۳۸	۵/۹۸	۷/۹۱	۶/۵۷	۱۰/۲۵	-۲/۸۴	-۰/۷۰	LPPI
۱۱/۱۰	۱۴/۵۳	۱۸/۳۴	۱۴/۳۰	۱۰/۸۱	-۳/۵۶	۰/۴۳	LREER
۱۹/۰۰	۱۹/۸	۱۳/۹۳	۸/۶۳	۱۵/۴۲	-۳/۰۳	۰/۸	LP _{oil}

منبع: یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد فصلی هگی نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای الگو دارای ریشه واحد بلندمدت‌اند. به عبارت دیگر دارای ریشه واحد در فرکانس صفر (بلندمدت) می‌باشند. همچنین نتایج حاصله حاکی از آن است که هیچ یک از متغیرها دارای ریشه واحد در فرکانس π نیستند. باتوجه به آماره F برای آزمون ریشه واحد فصلی متناظر در فرکانس‌های فصلی می‌توان نتیجه گرفت که هیچ یک از متغیرها در فرکانس‌های فصلی ($\pi/6, \dots, 2\pi/3, \pi/2$) و دارای ریشه واحد فصلی نمی‌باشند.

۲.۶. آزمون همگرایی

باتوجه به نایستاست بودن سطوح متغیرهای تحت‌بررسی، بایستی همگرایی میان سطوح متغیرها را مورد آزمون قرار داد. آماره‌های آزمون یوهانسون وجود دو بردار همگرایی را تأیید می‌کنند. بنابراین می‌توان از متغیرها در سطح استفاده نمود.

1. Hyllberg et al.(1990)

جدول ۲. نتایج آزمون همگرایی یوهانسون

آزمون همگرایی یوهانسون (Max-Eigen)				
تعداد بردار همگرایی فرضیه صفر	تعداد بردار همگرایی فرضیه مقابل	آماره آزمون	Prob	مقدار بحرانی در سطوح
$I=0$	$I=1$	۶۳/۲۱۰۲	۰/۰۰۰۰	۲۴/۱۵۹۲
$I \leq 1$	$I=2$	۲۸/۵۲۳۰	۰/۰۰۰۹	۱۷/۷۹۹۳
$I \leq 2$	$I=3$	۲/۶۴۴۱	۰/۸۴۰۸	۱۱/۲۲۴۸
$I \leq 3$	$I=4$	۱/۵۸۵۲	۰/۲۴۴۱	۴/۱۲۹۹

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۳. نتایج آزمون همگرایی یوهانسون

آزمون همگرایی یوهانسون (آزمون اثر Trace)				
تعداد بردار همگرایی فرضیه صفر	تعداد بردار همگرایی فرضیه مقابل	آماره آزمون	prob	مقدار بحرانی در سطوح
$I=0$	$I=1$	۹۵/۹۶۲۶	۰/۰۰۰۰	۴۰/۱۷۴۹
$I \leq 1$	$I=2$	۳۲/۷۵۲۴	۰/۰۰۳۴	۲۴/۲۷۵۹
$I \leq 2$	$I=3$	۴/۲۲۹۴	۰/۶۷۷۷	۱۲/۳۲۰۹
$I \leq 3$	$I=4$	۱/۵۸۵۲	۰/۲۴۴۱	۴/۱۲۹۹

منبع: یافته‌های تحقیق

عدم تقارن با توجه به جهت تغییر نرخ ارز

در این تحقیق ابتدا نوسانات نرخ ارز به تکانه‌های مثبت و منفی تجزیه شده و سپس اثر تکانه‌های مثبت و منفی نرخ ارز بر قیمت کالاهای صادراتی مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهشگران تکنیکهای متفاوتی را برای تجزیه تکانه‌های مثبت از منفی به کار گرفته‌اند. در این مدل از معیار مورک^۱ استفاده شده است که شرح آن پیش از این گذشت. سپس در معادله اصلی به جای متغیر نرخ ارز، تجزیه شده‌ی آن وارد می‌شود. نتایج برآورد در جدول ۴ ارائه شده است.

همانطور که مشاهده می‌شود کلیه ضرایب به جز تکانه مثبت نرخ ارز در سطح ۵٪ از لحاظ آماری معنادار بوده و علامت آنها نیز مطابق انتظار است. ضریب تشخیص R^2 نیز حکایت از آن دارد که ۹۹٪ از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. مشاهده می‌شود که آزمونهای تشخیصی حکایت از عدم وجود دو مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در این رگرسیون دارند.

۱. زمان زاده، حمید (۱۳۸۷)

جدول ۴. نتایج برآورد مدل با استفاده از معیار مورک

متغیرها	ضرایب	تضرایب	Prob	آزمون‌های تشخیصی	آماره آزمون	Prob
C	۰/۲۶	۳/۲۶	۰/۰	R ²		۰/۹۹
REER ¹⁺	-۰/۱۴	-۱/۴۵	۰/۱۴	Arch test	۰/۰۲	۰/۸۷
REER ²	-۰/۲۵	-۳/۳۳	۰/۰	Lm test	۰/۰۱	۰/۹۸
REER(-1)	-۰/۰۹	-۳/۱۹	۰/۰	Wald test	۱۲/۶۱	۰/۰
LPPI ³	۰/۶۱	۲/۹۵	۰/۰	D-W		۲/۰۰
LP _{oil} ⁴	۰/۰۲	۲/۴۴	۰/۰۱			

منبع: محاسبات محقق

ضرایب به دست آمده برای تکرانه‌های مثبت و منفی نرخ ارز نشان می‌دهد که تکرانه‌های منفی تقریباً دو برابر تکرانه‌های مثبت نرخ ارز قیمت کالاهای صادراتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به عبارت بهتر، واکنش قیمت‌های صادراتی به شوک‌های مثبت و منفی نرخ ارز نامتقارن است.

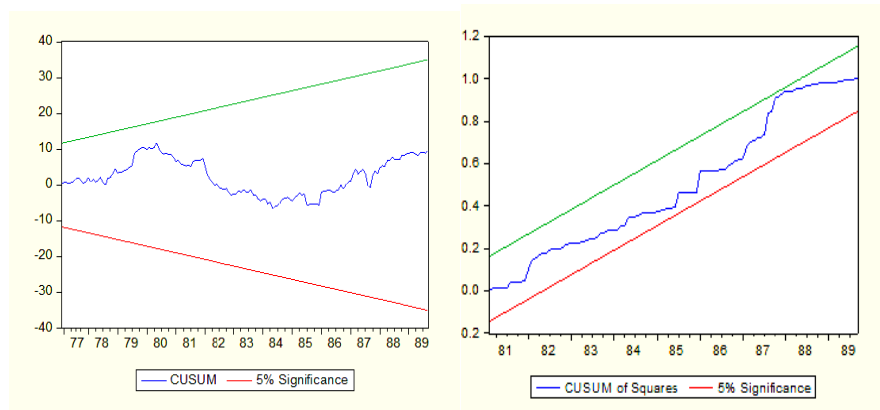
از آماره والد نیز جهت آزمون فرضیه تقارن رابطه نوسانات نرخ ارز و قیمت کالاهای صادراتی استفاده شده است. براین اساس، تقارن رابطه موردنظر در سطح به طور مطلق رد می‌شود. در واقع یک تکرانه مثبت نرخ ارز به میزان ۱۰٪، در دوره جاری حدود ۱/۴ درصد بر قیمت کالاهای صادراتی اثر دارد ولی معنادار نیست (اگر سطح اطمینان را ۱۵٪ در نظر بگیریم، معنادار خواهد بود)، در حالیکه یک تکرانه منفی نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) با همین شدت در دوره جاری ۲/۵ درصد قیمت کالاهای صادراتی را بالا خواهد برد؛ این اثر در دوره دوم برای تکرانه نرخ ارز برابر ۰/۹ درصد می‌باشد.

آزمون‌های مختلفی برای بررسی ثبات ضرایب تخمین‌های رگرسیونی مطرح شده‌اند، از جمله این آزمون‌ها می‌توان به آزمون چاو^۴ اشاره کرد. در این آزمون باید یک نقطه شکست از پیش انتخاب شود. اما در بیشتر مطالعات کاربردی چنین اطلاعات قبلی در دسترس نمی‌باشد. در این وضعیت از آزمون‌های تشخیصی بر مبنای روش رگرسیون بازگشتی استفاده می‌شود که cusum و cusumsq دو مورد از این آزمون‌ها می‌باشند.

نمودارهای زیر آماره‌های دو آزمون ذکر شده در فوق را که در مقابل زمان ترسیم شده‌اند، برای مدل برآوردی نشان می‌دهند. خطوط مستقیم در نمودارها سطح معناداری ۵ درصد را نشان می‌دهند. همانطور که

1. Real Effective Exchange Rate
2. Log Producer Price Index
3. Log Oil Price
4. Chow

در تمامی نمودارها دیده می‌شود، مسیر حرکت آماره‌های آزمون به گونه‌ای است که پیوسته در داخل خطوط مستقیم قرار دارد و بر بی‌ثباتی مدل دلالت نمی‌کند. براساس این آزمون‌ها فرضیه ثبات ضرایب را در سطح معناداری ۵ درصد نمی‌توان رد کرد و می‌توان نتیجه گرفت که مدل برآوردی در دوره مورد مطالعه باثبات بوده است.



نمودار ۱. آزمون $cusum$ و $cusumsq$ برای مدل عدم تقارن باتوجه به جهت تغییرات نرخ ارز

ماخذ: یافته‌های تحقیق

۴.۶. عدم تقارن باتوجه به اندازه تغییر نرخ ارز

تا این بخش مدلی تخمین زده شد که امکان واکنش نامتقارن قیمت‌های صادراتی را نسبت به جهت تغییر نرخ ارز بیان می‌کرد. اما باید گفت که واحدهای تولیدی ممکن است باتوجه به اندازه تغییر در نرخ ارز نیز از خود واکنش نامتقارن نشان دهند. در این راستا همانطور که در مبانی نظری به‌طور مفصل تشریح شد، هزینه‌های فهرست‌برداری می‌تواند انتقال نامتقارن تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز را به قیمت‌های صادراتی در پی داشته باشد.

بدین منظور لازم است که مدل مجدد برآورد شود و این بار دو متغیر مجازی L و S به ترتیب برای تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز ساخته شده و به جای $LREER$ در رگرسیون اصلی، عبارت $L * d(LREER) + S * d(LREER)$ جایگزین می‌گردد.

ابتدا بعد از حذف ۱۵٪ بالایی و پایینی متغیر آستانه (تغییرات نرخ ارز)، مدل برای کل مشاهدات میانی تخمین زده شد و مقادیر R^2 هریک از رگرسیون‌ها در مقابل نرخ ارز مربوطه به کمک نرم افزار MATLAB ترسیم گردید. بعد از طی مراحل فوق آستانه ۱.۳٪ (حداکثر R^2) به دست آمد.

لازم به ذکر است که در این بخش، وقفه های اول متغیر نرخ ارز و متغیر قیمت نفت به عنوان متغیر کنترل به کار رفته اند.

با در نظر گرفتن آستانه ۱/۳٪، نتایج حاصل از تصریح فوق در جدول ۵ ارائه شده است:

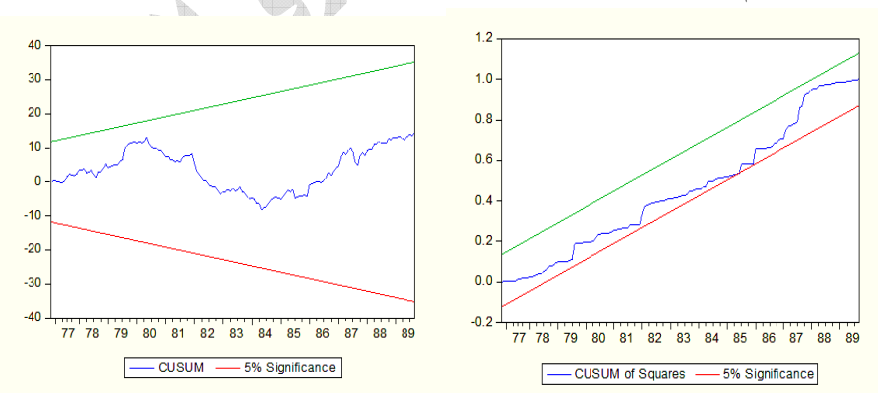
جدول ۵. نتایج برآورد مدل نامتقارن نسبت به اندازه تغییرات نرخ ارز

متغیرها	ضرایب	تضرایب	Prob	آزمون های تشخیصی	آماره آزمون	Prob
C	۰/۲۹	۳/۴۳	۰/۰	R^2		۰/۹۹
D(IREER)*L	-۰/۱۴	-۲/۱۱	۰/۰۳	D-W		۲/۰۰
D(IREER)*S	-۰/۲۹	-۲/۰۶	۰/۰۴	Arch test	۰/۰۴	۰/۸۲
L REER (-1)	-۰/۱۰	-۳/۲۰	۰/۰	Lm test	۰/۲۱	۰/۸۰
Lppi	۰/۱۳	۳/۳۸	۰/۰	Wald test	۷/۹۹	۰/۰
LP _{oil}	۰/۰۲	۲/۴۳	۰/۰۱	-		-

منبع: یافته های تحقیق

در این تصریح تمام متغیرها از نظر آماری در سطح ۹۵٪ معنادار هستند. تغییرات بزرگ نرخ ارز با ضریب ۰/۱۴ و تغییرات کوچک با ضریب ۰/۲۹ قیمت های صادراتی را متأثر می سازند. به عبارتی واکنش قیمت های صادراتی به تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز نیز نامتقارن است.

متغیرهای الگو بیش از ۹۹ درصد از تغییرات قیمت های صادراتی را توضیح می دهند و این امر به این معناست که این تصریح از قدرت برازش خوبی برخوردار می باشد. آماره دوربین واتسن و آزمون LM نیز نشان می دهند که مدل با مشکل خودهمبستگی روبرو نیست. آماره F آزمون آرج فرضیه صفر مبنی بر همسانی واریانس را در این مدل تأیید می کند. نمودار شماره ۲ در فاصله اطمینان ۹۵٪ قرار دارد و در نتیجه پارامترهای مدل دوم نیز از ثبات برخوردار می باشند.



نمودار ۲. آزمون CUSUM و CUSUMSQR برای مدل عدم تقارن با توجه به اندازه تغییرات نرخ ارز

ماخذ: یافته های تحقیق

از آماره آزمون والد گزارش شده نیز می توان چنین استنتاج کرد که واکنش قیمت های صادراتی به تغییرات بزرگ و کوچک نرخ ارز نامتقارن است.

۵.۶. عدم تقارن باتوجه به جهت و اندازه تغییر نرخ ارز

در تصریح نهایی ۴ متغیر مجازی SA, SD, LA, LD به ترتیب برای کاهش ارزش پول بزرگ، افزایش ارزش پول بزرگ، کاهش ارزش پول کوچک و افزایش ارزش پول کوچک ایجاد می کنیم که اندازه تغییر در نرخ ارز را با جهت تغییر نرخ ارز ترکیب می کند. بنابراین می توانیم به صورت جداگانه برآوردهایی برای افزایش ارزش پول کوچک و بزرگ و کاهش ارزش پول کوچک و بزرگ داشته باشیم. نتایج حاصل از برآورد در جدول زیر گزارش شده است:

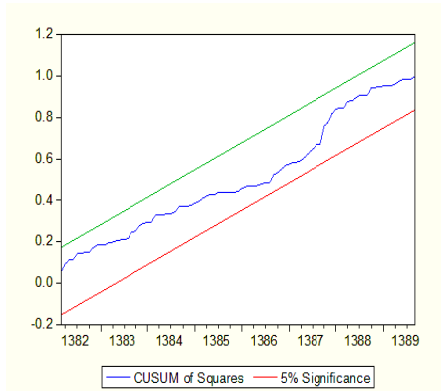
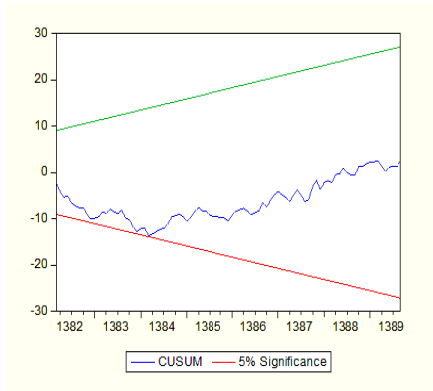
جدول ۶. نتایج برآورد مدل نامتقارن نسبت به اندازه و جهت تغییرات نرخ ارز

متغیرها	ضرایب	تضرایب	Prob	آزمون های تشخیصی	آماره آزمون	Prob
c	۰/۳۱	۴/۵۲	۰/۰	R^2		۰/۹۹
D(LREER)*LD	-۰/۲۴	-۲/۴۴	۰/۰۱	D-W		۲/۰۲
D(LREER)*SD	-۰/۲۸	-۲/۱۷	۰/۰۳	Arch test	۰/۶۷	۰/۲
D(LREER)*LA	-۰/۱۷	-۲/۰۹	۰/۰۳	Lm test	۰/۱۹	۰/۸۲
D(LREER)*SA	-۰/۴۳	-۱/۰۷	۰/۲۸	Wald test(LD/SD)	۱۱/۲۱	۰/۰۶
LREER (-1)	-۰/۱۱	-۴/۱۲	۰/۰	Wald test(LA/SA)	۱۲/۴	۰/۰
LPPI	۰/۷۰	۴/۰۱	۰/۰			
LP _{oil}	۰/۰۱		۰/۱			

منبع: یافته های تحقیق

نتایج تجربی به دست آمده شواهد معناداری از عدم تقارن در مورد اثر کاهش ارزش پول کوچک و بزرگ را بر قیمت های صادراتی در ایران تأیید می کند. ضرایب به دست آمده برای افزایش ارزش پول کوچک و بزرگ نیز نشان می دهد که در حالیکه افزایش ارزش پول بیشتر از ۱/۳٪ با ضریب ۰/۱۷ قیمت کالاهای صادراتی را تحت تأثیر قرار می دهد، این اثر برای افزایش ارزش پول کمتر از آستانه، ۰/۴۳٪ به دست آمده است. به منظور استحکام این نتایج، آزمون والد نیز انجام شده است. آماره این آزمون نیز مؤید وجود این عدم تقارن است.

آماره آزمون های مربوط به بررسی فرض کلاسیک نیز از عدم وجود ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی در رگرسیون برآورد شده خبر می دهد. معیار R^2 نیز قدرت توجیه کنندگی بالای رگرسیون را می رساند. از سوی دیگر نمودارها نشان می دهند که پارامترهای مدل از ثبات لازم برخوردار هستند.



نمودار ۳. آزمون cusum و cusumsq برای مدل عدم تقارن با توجه به جهت و اندازه تغییرات نرخ ارز
 ماخذ: یافته های تحقیق

۷. نتیجه گیری

در این مقاله وجود عدم تقارن های ممکن در عکس العمل قیمت های صادراتی به تغییرات نرخ ارز با داده های سری زمانی ماهانه اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۷۶-۱ تا ۱۳۸۹-۹ مورد بررسی قرار گرفت. براساس نتایج تحقیق، تکانه های مثبت نرخ ارز (افزایش ارزش پول) دارای اثرات ضعیف تری نسبت به تکانه های منفی نرخ ارز (کاهش ارزش پول)، بر قیمت کالاهای صادراتی است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که واکنش قیمت های صادراتی نسبت به نوسانات نرخ ارز، نامتقارن و برای تکانه های منفی نرخ ارز شدیدتر است. این نتیجه می تواند ناشی از دلایل زیر باشد:

الف) ایران به عنوان یک کشور صادرکننده به دنبال حفظ و افزایش سهم خود در بازارهای مقصد است. بنابراین زمانیکه ریال افزایش ارزش می یابد، واحدهای تولیدی تنها سعی می کنند تا سهم بازارشان را حفظ کنند. بدین منظور مارک آپ (سود) را کاهش می دهند تا قیمت کالای صادراتی شان را در بازار کشورهای واردکننده ثابت نگه دارند و بالعکس.

ب) می توان استدلال کرد که انتقال تکنولوژی تولید ممکن است علت دیگر واکنش شدیدتر قیمت های صادراتی به کاهش ارزش پول نسبت به افزایش ارزش پول باشد. در این ارتباط باید گفت که در مواجهه با کاهش ارزش ریال، واحدهای تولیدی به داده و تکنولوژی داخلی روی می آورند چرا که در این زمان داده های خارجی گرانتر هستند. اما به دلیل آنکه قبل از کاهش ارزش ریال، نهادهای خارجی ارزان تر بوده اند، واحدهای تولیدی با افزایش هزینه های تولید روبرو شده و در نتیجه قیمت کالاهای صادراتی شان را

افزایش می‌دهند. اگر این افزایش دقیقاً معادل کاهش ارزش ریال باشد، PT واردات صفر خواهد بود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد اگر ریال افزایش ارزش یابد، به نهاده و تکنولوژی خارجی روی آورده، هزینه تولید کاهش یافته و قیمت‌های داخلی نیز کاهش خواهد یافت. هیچ تضمینی نیست که این دو اثر متقارن باشند.

براساس رابطه برآورد شده در مدل اول، هر دو شوک ارزی مثبت و منفی (افزایش و کاهش ارزش پول) تأثیر منفی بر قیمت کالاهای صادراتی داشته است. اصول منطقی اقتصادی این نتیجه را که بیشتر درباره کشورهای در حال توسعه صادق است، می‌توان اینطور بیان نمود: قیمت‌های صادراتی در بازارهای جهانی شکل می‌گیرد و عوامل بسیار زیادی که شاید به نرخ ارز ریال-دلار ارتباط ندارد بر آنها تأثیرگذار است. مثلاً نرخ ارز کشورهایی که آنها نیز صادرکننده کالاهای مشابه ایران هستند و یا سایر عوامل برون‌زا که سبب انتقال تابع تقاضای صادرات می‌شود. با کاهش ارزش پول، تابع تقاضای صادرات به بالا منتقل شده و قیمت کالاهای صادراتی افزایش می‌یابد و با افزایش ارزش پول تابع تقاضای صادرات به پایین منتقل و قیمت کالاهای صادراتی کاهش می‌یابد.

در ادامه و در توجه هم علامتی اثر هر دو شوک ارزی مثبت و منفی باید گفت: همانطور که می‌دانیم یکی از علل رشد نیافتن ارزش صادرات علی‌رغم کاهش ارزش پول ملی به وابسته بودن کالاهای صادراتی به تجهیزات و ماشین آلات و کالاهای واسطه‌ای وارداتی مربوط است به‌طوری‌که هر چه سهم این تجهیزات در کالاهای صادراتی بیشتر باشد، به دلیل افزایش قیمت وارداتی این قبیل کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، قیمت کالاهای صادراتی نیز افزایش یافته و سیاست کاهش ارزش پول ملی را با شکست مواجه می‌نماید. علت دیگر قابل ذکر می‌تواند این باشد که واحدهای تولیدی صادراتی که با محدودیت در امر تولید (محدودیت ساختاری عرضه کالا) روبرو هستند، مثلاً به ظرفیت کامل رسیده‌اند، به جای تولید، ترجیح می‌دهند قیمت کالاهای صادراتی خود را افزایش دهند و برعکس در مواجهه با افزایش ارزش پول، واحدهای صادراتی به داده و تکنولوژی خارجی روی می‌آورند که در حال حاضر ارزان‌تر می‌باشد. بنابراین هزینه تولید کاهش و قیمت کالاهای صادراتی نیز کاهش می‌یابد.

براساس نتایج به دست آمده در مدل دوم، نوسانات نرخ ارز تا قبل از حد آستانه (۱/۳٪) قیمت کالاهای صادراتی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند، اما با عبور از این حد، اثر آن بسیار کمتر می‌شود. این تفاوت از لحاظ آماری نیز معنادار است. بنابراین نامتقارن بودن واکنش قیمت کالاهای صادراتی به نوسانات بزرگ و کوچک نرخ ارز نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد. با توجه به مبانی نظری انتقال نامتقارن نوسانات نرخ ارز، به نظر می‌رسد وجود هزینه‌های فهرست‌برداری این نوع عدم تقارن را ممکن می‌سازد.

نتایج به دست آمده از مدل‌های اقتصادسنجی نشان داد که در اقتصاد ایران واکنش قیمت کالاهای صادراتی به افزایش ارزش ریال بیش از آستانه $1/3\%$ و کاهش ارزش ریال کمتر از این حد نیز نامتقارن است. نتایج تجربی دلالت بر این دارند که کاهش ارزش ریال بیش از $1/3\%$ (آستانه) نسبت به کاهش ارزش ریال کمتر از این حد، قیمت کالاهای صادراتی را کمتر تحت تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر پاسخ قیمت‌های صادراتی به افزایش ارزش ریال بزرگ و کوچک (بالاتر و پایین‌تر از آستانه برآورد شده) نیز نامتقارن است.

پذیرش نتایج فوق بیانگر آن است که اثرات نرخ ارز بر قیمت‌های صادراتی غیرخطی بوده و از این رو نتایج مدل‌های خطی انجام شده در ایران ممکن است از کارایی لازم برخوردار نباشند. به دلیل آنکه بررسی‌های انجام گرفته در ایران فرض نامتقارن بودن اثرات نوسانات نرخ ارز را نادیده گرفته‌اند، لذا این تحقیقات و اعتبار آنها ممکن است تا حدی سوال برانگیز باشد. وجود اثرات نامتقارن شوک‌های ارزی بر قیمت‌های تجاری نشان داد که در تنظیم سیاست‌های ارزی جهت پیشبرد اهداف کلان اقتصادی، نباید قدرمطلق سیاست‌های ارزی مثبت و منفی را یکسان تلقی کرد و در اجرای سیاست‌های ارزی بایستی شرایط اقتصادی را مدنظر قرار داده تا با انتخاب یک سیاست ارزی مناسب، کارایی آن نیز افزایش یابد. بنابراین سیاست ارزی مناسب بهتر است مبتنی بر پرهیز از تضعیف و یا تقویت واقعی نرخ ارز و کوشش در جهت تثبیت این نرخ باشد.

منابع و مآخذ

افشار، آذین؛ (۱۳۹۰)، بررسی قیمت مسکن در مکانیسم انتقال پولی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.

اندرس، والتر؛ (۱۳۸۹)، اقتصادسنجی سریهای زمانی با رویکرد کاربردی، صادقی، مهدی؛ شوال‌پور، سعید؛ جلد اول، چاپ دوم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

پدرام، مهدی؛ (۱۳۸۴)، *مالیه بین‌الملل*؛ چاپ اول، تهران، دانشگاه الزهرا.

پیری، مهدی؛ صبوچی، محمود؛ (۱۳۸۶)، بررسی تأثیر نوسانات نرخ ارز بر قیمت صادراتی محصولات کشاورزی مطالعه موردی زعفران ایران، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران.

ترکمانی، جواد و طرازکار، محمد حسن؛ (۱۳۸۴)، اثر تغییرات نرخ ارز بر قیمت صادراتی پسته: کاربرد روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۸۳-۹۶.

حقیقت، جعفر؛ حسین پور، رسول؛ (۱۳۸۹)، اثر انتقالی نرخ ارز بر قیمت صادراتی کشمش در ایران، پژوهشنامه علوم اقتصادی، سال نهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۷)، صص ۵۴-۳۳.

زمان زاده، حمید؛ (۱۳۸۷)، نفت، نفرین یا موهبت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

شیرین بخش، شمس الله؛ حسن خونساری، زهرا؛ (۱۳۸۴)، کاربرد Eviews در اقتصادسنجی، پژوهشکده امور اقتصادی، تهران.

گجراتی، دامودار؛ (۱۳۷۸)، مبانی اقتصادسنجی، ترجمه دکتر حمید ابریشمی، جلد دوم، نشر دانشگاه تهران.

Alvarez R., Jaramillo P., and Selaive J. (2008). "Exchange rate pass-through into import prices: The case of Chile", Working Paper No. 465, Central Bank of Chile.

Athukorala, P. (1991). "Exchange Rate Pass-Through: The Case of Korean Exports of Manufactures", Economics Letters, 35, pp: 79-84.

Bussière M. (2007). Exchange rate pass-through to trade prices. The role of non-linearities and asymmetries, ECB Working Paper No. 822, Frankfurt, European Central Bank.

Byrne, Joseph P, and Chavali, Aditya S, and Kontonikas, Alexandros (2010), Exchange Rate Pass-Through To Import Prices: Panel Evidence From Emerging Market Economies, Department of Economics, University of Glasgow, Glasgow, UK.

Campa, Jose Manuel, and Minguez, Jose M. Gonzalez, and Barriel, Maria Sebastia (2008), "Non-Linear Adjustment Of Import Prices In The European Union", Working Paper 734, IESE Business School, University of Navarra.

Coughlin, C. C. and Pollard, P. S. (2004). "Size Matters: Asymmetric Exchange Rate Pass-through at the Industry Level", University of Nottingham Research Paper 2004-13 and Federal Reserve Bank of St. Louis Working Paper 2003-029C.

Foster, H. and Baldwin, R. (1986). "Marketing Bottlenecks and the Relationship between Exchange Rates and Prices." Mimeo, MIT.

Froot, K.A. and Klemperer, P.D. (1989). "Exchange Rate Pass-Through When Market Share Matters." American Economic Review, 79, 637-654.

Goldberg, P. (1995). "Product differentiation and oligopoly in international markets: The case of the U.S. automobile industry. Econometrica, 64, pp: 413-430.

Kadiyali, V. (1997). "Exchange rate pass-through for strategic pricing and advertising: An empirical analysis of the U.S. photographic film industry". Journal of International Economics, 43(3/4), pp: 437-461.

Khosla, A. (1991). "Exchange Rate Pass-Through and Export Pricing. Evidence from the Japanese Economy", Journal of the Japanese and International Economics, 5(1), pp: 41-59.

Kilic,Rehim(2010). "Exchange Rate Pass-Through To Import Prices:NonLinearity And Exchange Rate And Inflationary Regim", Department of Economics, Ko,c University, RumeliFeneriYolu, Sariyer, Istanbul 34450 Turkey.

Knetter, M. (1994). "Is Export Price Adjustment Asymmetric? Evaluating the Market Share and Marketing Bottlenecks Hypotheses", Journal of International Money and Finance, Vol. 13(1), pp:55-70.

Krugman, P. (1987), "Pricing to Market When the Exchange Rate Changes", in Arndt, S. And Richardson, J., Real-Financial Linkages Among Open Economies, Cambridge, MA, MIT Press.

Lawrence, Robert Z. (1990), "U.S. Current Account Adjustment: An Appraisal",Brookings Paper on Economic Activity(2), pp: 343-382.

Mann, C.(1986). "Prices, profit margins, and exchange rates. Federal Reserve Bulletin", 72(6),pp: 366-379

Marston, R. (1990), "Pricing to Market in Japanese Manufacturing", Journal of International Economics, 29, pp: 217-236.

Menon, J. (1995). "Exchange Rate Pass-Through", Journal of Economic Surveys", 9(2), pp: 197-231.

Ohno, K.(1989). "Export Pricing Behaviour of Manufacturing: A U.S.- Japan Comparison", International Monetary Fund Staff Papers 36(3), pp: 550-579.

Peltzman, S. (2000). "Prices Rise Faster than they Fall", Journal of PoliticalEconomy, 108(3), pp: 466-502.

Przystupa, Jan, and Wróbel, Ewa(2009). "Asymmetry of the exchange rate pass-through: An exercise on the Polish data", University Library of Munich.

Ware, R. and Winter, R.(1988)."Forward Markets, Currency Options and the Hedging of Foreign Exchange Risks." Journal of International Economics, 25, 291-302.